

اثر آزاد سازی تجاری بر بخشهای صنعت و کشاورزی در کشورهای منا

« صفحات ۱۰۹ تا ۱۲۸ »

مسعود نوژاد^۱ شراره مجلسی^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۰

چکیده

جهانی شدن فرایندی اجتناب ناپذیر است که آزادسازی تجاری به عنوان نماد اصلی آن فرصتها و تهدیدهایی را پیش روی کشورها قرار داده است. کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای منا در پی رسیدن به نتایج بهتری از طریق آزاد سازی تجاری هستند، بنابراین تحقیق در مورد اثر آزاد سازی تجاری بر بخش های صنعت و کشاورزی این کشورها، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این تحقیق با استفاده از روش داده های تلفیقی و آمارهای مربوط به سالهای ۲۰۰۹-۱۹۹۷، اثر آزاد سازی تجاری بر بخشهای صنعت و کشاورزی در کشورهای منا تخمین زده شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهند که آزاد سازی تجاری اثر مثبت و معنی داری بر بخشهای صنعت و کشاورزی کشورهای منا دارد.

واژه های کلیدی: آزادسازی تجاری، تحلیل داده های پانل، کشورهای منا، صنعت، کشاورزی

طبقه بندی JEL : C33, F14, F43, O11, O53, Q17

۱- نویسنده مسئول، استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، ایران

۲- کارشناس ارشد اقتصاد- دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، ایران

۱- مقدمه

یکی از عواملی که تاثیر بسزایی بر رشد اقتصادی برخی کشورهای در حال توسعه داشته، تجارت خارجی است. به طور کلی در مسیر رشد اقتصادی کشورهای جهان سوم، به دلیل وابستگی شدید این کشورها به درآمدهای صادراتی و از طرف دیگر وابستگی به واردات مواد مورد نیاز جهت پی‌ریزی ساختار صنعتی، تجارت خارجی نقشی اساسی و انکار ناپذیر و در عین حال حساسی را ایفا می‌کند. طبق آنچه شواهد تجربی نشان می‌دهد، می‌توان گفت تجارت خارجی از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نرخ رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را افزایش داده است. همچنین، قیمت نسبی کالاهای سرمایه‌ای در کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه ارزانتر می‌باشد. بنابراین کشورهای در حال توسعه می‌توانند با واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای ارزانتر از کشورهای توسعه یافته، زمینه رشد اقتصادی بیشتر را فراهم آورند. مطالعات در مورد تجارت خارجی و رشد اقتصادی نشان می‌دهد که صادرات و واردت می‌توانند نقش قابل توجهی بر شناسایی منابع رشد اقتصادی داشته باشند.^۱

در نتیجه آزاد سازی تجاری، بنگاهها مجبورند به تجدید ساختار اقدام کرده، بهره‌وری را افزایش دهند که سود آنها را افزایش می‌دهد، به علاوه آزاد سازی به کاهش هزینه‌های نهاده‌های وارداتی منجر می‌شود بنابراین مجدداً سودآوری بنگاه افزایش می‌یابد. آزاد سازی تجاری، وقتی بنگاههای داخلی را در معرض رقابت قرار می‌دهد، باعث نظم دهی آنها شده و کارایی تمام بنگاهها را افزایش می‌دهد و به این ترتیب با افزایش بهره‌وری، صادرات آنها نیز افزایش می‌یابد و با این افزایش رشد صنعتی بیشتر خواهد شد.^۲ به دلیل اهمیت محصولات بخش صنعت در صادرات غیر نفتی و همچنین درآمدزایی و ارزآوری، بالا بردن توان صادراتی در این بخش می‌تواند باعث رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه گردد.

بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از سویی از لحاظ توانمندیها و ظرفیتهای شایان توجهی که در تأمین مواد غذایی مردم و تهیه مواد اولیه برخی از صنایع دارد و از سوی

۱. اسماعیل رمضانپور (۱۳۸۴)، "جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن روی اشتغال"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، صص ۱۵۶-۱۵۷.

۲. صادق بختیاری و بهنام سالم (۱۳۸۶)، "اثرات آزاد سازی تجاری بر تجارت محصولات زیر بخشهای صنعتی ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، صص ۱۷.

دیگر به دلیل اینکه این بخش در این گروه از کشورها در حال تبدیل شدن از حالت سنتی به تجاری است، بنابراین تاثیر رابطه آزاد سازی بر این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^۱ رشد بخش کشاورزی به عنوان بستری برای نیل به اهداف توسعه در کشورهای در حال توسعه امری ضروری قلمداد می شود. اقتصاددانان توسعه به طور عام و اقتصاددانان کشاورزی به طور خاص بر این امر تاکید دارند که کشاورزی می تواند به رشد اقتصادی کمک کند. تعداد زیادی از این اقتصاددانان، بر اهمیت بخش کشاورزی به دلیل فراوانی منابع و توانایی‌هایش در انتقال مازاد منابع به بخش صنعت در مراحل اولیه توسعه ابراز کرده اند. رشد بخش کشاورزی همچنین با ایجاد تعامل میان این بخش و بقیه بخشهای اقتصاد دارای آثار مثبت بر شاخص‌هایی مانند امنیت غذایی، حذف فقر و عرضه خدمات محیطی است. در این مقاله به دنبال رابطه آزادسازی تجاری و سهم ارزش افزوده بخشهای صنعت و کشاورزی از تولید ناخالص ملی در کشورهای ما هستیم. بر این اساس در ادامه مقاله ابتدا مبانی نظری مربوط و مطالعات تجربی موجود در این زمینه مطرح می شود، سپس مدل پیشنهادی ارائه و در بخش پایانی، نتایج حاصل از تخمین مدلها و توصیه های سیاستی ارائه می گردد.

۲- مبانی نظری

یکی از اهداف عمده آزاد سازی تجاری رشد صنعتی و برخورداری از منافع ناشی از تجارت از طریق تخصیص کارآمد منابع، تشدید رقابت، ارتقا جریان دانش، سرمایه گذاری و نهایتاً رشد سریع نرخ انباشت سرمایه و پیشرفت فنی است.^۲

شواهد تجربی نشان می دهد دستیابی تولید کنندگان به بازار صادراتی و فروش کالا در بازارهای بین المللی، از دو جهت موجب افزایش کارایی تولید کنندگان می گردد؛ از یک سو امکان بهره گیری از مقیاس های اقتصادی را فراهم می آورد و از سوی دیگر قراردادهای مذاکرات خارجی امکان انتقال دانش فنی را موجب می گردد. اگر تولید کنندگان داخل به بهبود

۱. علیرضا کرپاسی ومهدی پیروی(۱۳۸۶)، "بررسی تاثیر آزادسازی تجاری بر کشاورزی ایران"، اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲، صص ۳۴-۱۹.
2 . Bela, Ballassa. (1978), "Export and Economic Growth Further Evidence", Journal of Development Economics, Vol 5, p.183.

کارایی‌شان موفق نبوده و هزینه تولید آنان بسیار بالا بوده باشد، بزودی ورشکست خواهند شد و در نتیجه از صحنه تولید آن کالا خارج می‌شوند. آزاد سازی منابع تولیدی این کالا باعث می‌گردد که این منابع به سمت سایر بخش‌هایی که دارای کارایی بالاتری می‌باشند هدایت گردند.^۱

افزایش آزاد سازی تجاری سبب افزایش ارزش افزوده صنعتی در کشورهای در حال توسعه می‌شود. همچنین افزایش آزاد سازی ارزش افزوده بخش کشاورزی را نیز افزایش می‌دهد اما با این تفاوت که در هر کشور در حال توسعه طی آزاد سازی تجاری آن بخشی سریعتر پیشرفت می‌کند که مزیت نسبی بیشتری نسبت به بخش دیگر داشته باشد.^۲

۳- رابطه آزاد سازی تجاری و رشد بخشهای صنعت و کشاورزی

یکی از مقولات مهم در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، نگرانی از وارد شدن به اقتصاد جهانی و آزاد سازی تجاری و تأثیر آن بر رشد صنعتی و رشد سایر بخشهای اقتصادی (کشاورزی و ...) و متعاقب آن بر رشد اقتصادی می‌باشد.

در دهه ۱۹۹۰ نظریه پردازهای تجارت، الگوهای مختلفی را ارائه کرده‌اند که بر اساس آن‌ها تجارت با افزایش تنوع و کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، انتقال و گسترش دانش، آثار یادگیری از طریق عمل و افزایش اندازه بازارها رشد اقتصادی را تحریک می‌کند. الگوهای مذکور پیش‌بینی می‌کنند که آزاد سازی تجاری از طریق افزایش رشد بهره‌وری آثار مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.^۳ از زمان آدام اسمیت، اقتصاددانان درباره آثار مثبت تجارت آزاد و آزاد سازی تجاری بر نرخ رشد اقتصادی آگاهی داشته‌اند، طبق نظریه‌های اقتصادی، تجارت آزاد منجر به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر شدن رشد بخشهای مختلف اقتصاد می‌شود. در یک اقتصاد باز از آنجائیکه بنگاهها به بازارهای بزرگتری دسترسی دارند، لذا انگیزه و امکان بیشتری دارند تا با استفاده از ابتکارات و اختراعات بتوانند از منابع تولید انبوه بهره ببرند. از

1 . Dani, Rodrick. (1995), "Trade Strategy, Investment and Exports, Another Look at East Asia", CEPR, Vol 1305, P.19.

2 . Sergei, Dodzin, and Athanasios, Vamvakidis. (2004), "Trade and Industrialization in Developing Economies", Journal of Development Economics, Vol 75, P. 319.

۳. رضا محسنی. (۱۳۸۴)، "تبعات آزاد سازی تجاری بر رشد صنعتی در ایران"، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، صص ۱ و ۲.

دیدگاه تقاضا، این سیاست به وخیم‌تر شدن تراز پرداختها منجر گردیده و آنگاه این امر اثر معکوسی بر رشد اقتصادی و در نهایت رشد صنعتی خواهد شد.^۱

بخش مهمی از مطالعات نشان می‌دهد آزاد سازی تجاری، وقتی بنگاههای داخلی را در معرض رقابت قرار می‌دهد، باعث نظم دهی آنها شده و کارایی تمام بنگاهها را افزایش می‌دهد و به این ترتیب با افزایش بهره‌وری، صادرات آنها نیز افزایش می‌یابد و با این افزایش احتمال بقای آنها نیز بیشتر می‌شود.^۲ از سویی گروهی از اقتصاد دانان به تأثیر مثبت سیاست تجاری آزاد تر بر رشد اقتصادی تردید دارند و بر این باورند که مطالعات تجربی موجود با تنگناهای روش شناختی روبرو هستند، به گونه‌ای که نتایج این مطالعات نسبت به تصریح مدل، انتخاب نمونه و دوره زمانی ثبات ندارند. بنابراین نتایج آن‌ها در بهترین حالت ضعیف و در بدترین وضعیت گمراه کننده می‌باشند. اما باز از سویی دیگر نهادهای بین المللی همانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اقتصادی به کشورهای عضو این باور را توصیه می‌کنند که آزاد سازی تجاری و سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد.^۳

تجارت باعث می‌شود که کشورهای در حال توسعه به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که برای جریان توسعه حیاتی و اساسی هستند، دسترسی پیدا کنند. اگر رشد ناشی از تجارت عرضه کننده محصولات جدید باشد، پس تجارت بوسیله فراهم کردن دسترسی به ستاده‌ها و نهادهای جدید، نقش مهمی را در رشد کشورها باز می‌کند.^۴

۱- حمید ابریشمی و محسن مهر آرا. (۱۳۸۵)، "تأثیر آزاد سازی تجاری بر رشد صادرات و واردات"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰، ص ۹۶.

2 -Jozef Konings, and Ana Xavier. (2002), "Firm Growth and Survival in a Transition Country, Licos Discussion Paper, P.70.

3 -Green away, D. Morgan, and W.wright "Trade Liberalization and Growth in Developing Countries", P. 230.

۴- ابراهیم گرجی و معصومه علیپوریان. (۱۳۸۵)، "تحلیل اثر آزاد سازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰، ص ۱۸۸.

آزادسازی تجاری در بخش کشاورزی ممکن است امکان دسترسی به بازار کشورهای در حال توسعه را افزایش دهد و چشم اندازهای صادراتی را برای بسیاری از کالاهای کشاورزی بهبود بخشد. کاهش حمایت از بخش کشاورزی و یارانه ها ممکن است به افزایش قیمتها در بازارهای جهانی بیانجامد. این عوامل در میان مدت احتمالاً انگیزه ای برای تولید مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه و به دنبال آن کاهش واردات مواد غذایی خواهد بود.

می توان انتظار داشت افزایش قیمت‌های جهانی کالاهای کشاورزی منافع خاصی برای کل کشورهای در حال توسعه داشته باشد. اما توزیع این منافع می‌تواند در هر یک از این کشورها متفاوت باشد. شاید درآمد کشورهایی که دچار کمبود مواد غذایی اند دچار افت شود چرا که مجبورند برای واردات مواد غذایی بهای بیشتری بپردازند. بنابراین باید مواظب بود که منافع این کشورها در فرایند آزادسازی تجارت کشاورزی حفظ شود. افزایش کمک‌های غذایی، اختصاص مواد غذایی به موارد اضطراری و تامین مالی جبرانی، فشارهای کوتاه مدت بر این کشورها را تخفیف خواهد داد. کشورهای در حال توسعه باید متوجه باشند که در فرایند آزادسازی تجارت کشاورزی در جهت نوسازی بخش کشاورزی در مدت معین، به سیاست‌های تشویقی انگیزش مداومی احتیاج است.^۱ کشورهای جهان سوم با باز کردن اقتصادهای خود، نه تنها موجب انتقال کالاها، خدمات و منابع مالی کشورهای صنعتی به کشورهای خود می‌شوند، بلکه هم‌چنین آثار توسعه‌ای حاصل از انتقال فن‌آوریها و الگوهای مصرف این کشورها را نیز وارد می‌کنند. اثر چنین انتقالات فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر فرایند توسعه می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در کنار وابستگی صادراتی کشورهای در حال توسعه، این کشورها، به واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات، کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای مصرفی برای تقویت و گسترش نظام صنعتی و پوشش احتیاجات مصرفی فزاینده شهروندان خود نیاز دارند.^۲

بر اساس نگرش هلامینت^۳، از آنجا که زمین و نیروی کار در بخش کشاورزی و صنعتی کشورهای رو به توسعه، به طور بهینه و کامل مورد استفاده قرار نگرفته است، با گسترش روابط

۱- مسعود نوزاد (۱۳۸۳)، "تجارت بین الملل"، شیراز، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، جلد چهارم، صص ۸۰۵-۸۰۴.

۲- حمید ایریشمی، مهرآرا، محمد رضا ایران نژاد (۱۳۸۹)، "بررسی اثر سیاست‌های آزاد سازی تجاری بر رشد اقتصادی"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۹۰، صص ۲۲۱-۲۲۰.

تجاری، این دسته از کشورها خواهند توانست ظرفیتهای بیشتری برای تولید فرآیندهای کشاورزی ایجاد، و بدون کاهش مصرف داخلی، مازاد آن ها را صادر کنند. بدین ترتیب امکان ورود کالاهای صنعتی و دیگر فرآوردههای مورد نیاز در بهره وری بوجود می آید. این نگرش در حقیقت تجارت را به مثابه نیرویی پویا تفسیر می کند که از راه گسترش بازار و تقسیم کار این اجازه را به کشور می دهد که از ماشین آلات و ظرفیتهای شکل گرفته استفاده بیشتری ببرد.^۱ در کشورهای در حال توسعه بخش کشاورزی از سویی به لحاظ توانمندیها و ظرفیتهای شایان توجهی که در تأمین مواد غذایی مردم و تهیه مواد اولیه برخی از صنایع دارد و از سوی دیگر به دلیل اینکه این بخش در این گروه از کشورها در حال تبدیل شدن از حالت سنتی به تجاری می باشد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این موضوع موجب قویتر شدن پیوند کشاورزی و سایر بخشهای اقتصادی در این کشورها می گردد.^۲

جهانی سازی باعث رشد سریع تجارت در جهان و کاهش هزینه اطلاعات و ارتباطات می شود. از سویی منافع بالقوه تجاری مربوط به بخش کشاورزی افزایش خواهد یافت و از سویی دیگر توانایی دسترسی به بازارهای جهانی به ویژه در زیر بخشهایی که مزیت نسبی در آن ها وجود دارد، منافع زیادی همچون افزایش مستقیم دامنه عمل بخش کشاورزی برای رقابت در عرصه جهانی به همراه خواهد داشت.^۳

۱- محمود متوسلی. (۱۳۸۰)، "سیاستهای تجاری و توسعه اقتصادی"، صص ۲۲-۲۱.

۲- پ، نصیری. (۱۳۸۲)، "اثرات بلند بلند مدت و کوتاه مدت متغیرهای کلان بر بخش کشاورزی (۱۳۷۸-۱۳۵۰)"، مجموعه مقالات همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد دوم، انتشارات موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ص ۳۱.

3 - Pingali, P., and Sringer, R. (2004), "Agriculture's Contributions to Economic and Social Development", *Electronic Journal of Agricultural and Development Economics*, Vol. 1, P. 2.

پیشینه تحقیق

ریچارد اسپرینکل و جارلز سایر^۱ (۱۹۹۹)، باز بودن اقتصاد و صنعتی شدن در کشورهای در حال توسعه را در میان هفتاد و دو، کشور مورد مطالعه قرار می دهند. نتایج حاصل این تحقیق نشان دهنده رابطه منفی رشد و ارزش افزوده صنعت و سطح نرخ ارز واقعی در کشورهای مورد مطالعه است. همچنین نتایج نشان می دهند کشورهای در حال توسعه اگر به جای استفاده از سیاست های جایگزینی واردات با استراتژیهای آزاد سازی تجاری تطبیق یابند زودتر صنعتی می شود. دوتا و احمد (۲۰۰۴)، آزادسازی تجاری و رشد صنعتی در پاکستان را طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۷۳ و با استفاده از روش تصحیح خطا و یوهانس - یوسیلیوس مورد بررسی قرار داده اند، که نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد که سرمایه، نیروی کار، صادرات حقیقی رابطه معنی دار و مثبتی با ارزش افزوده صنعتی دارند. ابوکا^۲ (۲۰۰۵)، اثر آزاد سازی تجاری بر بهره‌وری کل عوامل تولید در صنایع کارخانه‌ای در آفریقای جنوبی، و تاثیر تجارت بر روی بهره‌وری از طریق توسعه تجارت، را بررسی می کند. نتایج نشان می دهند که واردات اثر منفی بر بهره‌وری صنایع دارد همچنین نتایج این مطالعه حاکی از آن است که افزایش صادرات موجب افزایش بهره‌وری شده است و برآوردها بیانگر یک رابطه قوی بین درجه باز بودن اقتصاد و بهره‌وری است. سارا وانگ^۳ (۲۰۰۹)، بهره‌وری و آزادسازی تجاری در صنایع اکوادور را طی سالهای ۲۰۰۳-۱۹۹۷ مورد بررسی قرار می دهد. این مطالعه از این جهت حایز اهمیت می باشد که اکوادور در دهه ۱۹۹۰ با انگیزه کاهش تعرفه‌های تجاری و افزایش فعالیت‌های صادراتی به اجرای سیاست‌های آزادسازی تجاری پرداخته است. نتایج حاصل نشان می دهند هرچه درجه باز بودن تجاری بیشتر باشد بهره‌وری صنایع افزایش بیشتری خواهد داشت. اما اثر نرخ ارز موثر معنی دار نیست. همچنین صناعی که نرخ موثر حمایتی بالا یا پایینی دارند نسبت به صنایع با نرخ متوسط حمایتی طی آزادسازی تجاری بهره‌وریشان افزایش بیشتری می یابد. این بررسی در مجموع نشان می دهد پس از اجرای سیاست‌های آزاد سازی تجاری در اکوادور،

1- Richard, L. S., and Charles, S. (1999), "openness and industrialization in Developing Countries" , Journal of applied Economic Letters, (6), PP. 161-164.

2- Abuka, c. (2005), "Trade Liberalization and Total Factor Productivity in Manufacturing Industries", The Review of Economic study, No. 69, Vol. 1, PP. 245-276.

3- Sara, A. w. (2009), "Productivity and Trade Openness in Ecuador's Manufacturing Industries" , Journal of business Research, Vol, 62, PP. 868-875.

بهره‌وری در صنایع افزایش یافته است. الاجیدالادیپو^۱ (۲۰۱۱)، اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی بلندمدت در مکزیک را با استفاده از روش همجمعی یوهانسن و روش تصحیح - خطا بررسی می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند رابطه بلند مدت بین متغیرهای مدل وجود دارد و رشد اقتصادی بلند مدت مکزیک به شدت به آزاد سازی تجاری و سطح سرمایه گذاری وابسته بوده است. همچنین نتایج بیانگر این است که سرمایه گذاری نیروی انسانی تحصیلکرده و آزادسازی تجاری بیشترین، تاثیر را در افزایش رشد اقتصادی در مکزیک دارند.

مطالعاتی در داخل کشور در زمینه اثر آزادسازی تجاری بر ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی انجام شده است. از آن میان می‌توان به مطالعه مهرآرا و محسنی^۲ (۱۳۸۳) اشاره کرد که به بررسی آثار تجارت خارجی بر بهره‌وری در صنایع ایران می‌پردازند. بدین منظور از داده‌های گروهی ۹ زیر بخش صنعتی طی دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۹ در اقتصاد ایران استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که آزادسازی اقتصادی اثر قوی بر سطح بهره‌وری به ویژه در بخشهای صادرات محور داشته است و در رابطه با سایر متغیرهای تجاری الگو، اثر سهم نهاده‌های وارداتی بر رشد بهره‌وری مثبت و معنادار است. همچنین علیرضا کرباسی و مهدی پیروی^۳ (۱۳۸۶)، به بررسی اثر آزاد سازی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و متغیرهای تأثیرگذار بر آن می‌پردازد. در این مطالعه از داده‌های سری زمانی مربوط به سالهای ۱۳۸۳-۱۳۵۰ استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که گسترش ارتباط بخش کشاورزی با بازارهای جهانی می‌تواند موجبات رشد سریعتر این بخش را فراهم آورد و تحقق چنین هدفی با رفع موانع صادراتی با گسترش تجارت جهانی و همکاریهای منطقه‌ای می‌تواند صورت گیرد.

1- Olajid O. (2011), "Does Trade Liberalization Cause Long Run Economic Growth in Mexico", International Journal of Economic and Finance, (3), pp. 47-63.

۲- محسن مهر آرا و رضا محسنی. (۱۳۸۳)، "اثر تجارت خارجی بر بهره‌وری"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، صص ۵۸-۸۹.

۳- علیرضا کرباسی و مهدی پیروی. (۱۳۸۶)، "بررسی تأثیر آزاد سازی تجاری بر کشاورزی ایران"، اقتصاد و کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲، صص ۱۹-۳۴.

معرفی مدل، تخمین و تفسیر نتایج

در این مطالعه الگوی زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

$$\ln(Sij)_t = Cij + b_1 \ln(gi)_t + b_2 \ln(wsi)_t + b_3 (trj)_t + \delta_{it} \quad (۱)$$

متغیرها عبارتند از :

$(Sij)_t$: ارزش افزوده حقیقی بخش i کشور j به کل GDP حقیقی کشور در زمان t .

Cij : اثرات ثابت کشور j .

G_j : GDP سرانه حقیقی در کشور j .

$(wsi)_t$: ارزش افزوده حقیقی همه کشورها به GDP حقیقی آن بخش در زمان t .

توسط متغیر (wsi) می توانیم اثرات دیگر متغیرها، بجز آزادی تجارت را بر ارزش افزوده بخش مورد نظرمان (Sij) کنترل کنیم. یعنی اگر متغیرهای دیگری در طول مدت تحقیق در کل دنیا توانسته‌اند بر رشد بخش مورد مطالعه اثر گذار باشند را توسط متغیر (wsi) کنترل می کنیم.

$$\frac{Trade}{GDP} \quad (۲)$$

Ttj : سهم تجارت در کشور j

این متغیر به عنوان شاخص آزاد سازی تجاری مورد بررسی قرار می گیرد و تجارت که مجموع واردات و صادرات کشور است مورد نظر خواهد بود.

$b1$: ضریبی که به صورت مستقیم اثر GDP سرانه در کشور j را روی ارزش افزوده بخش i به کل GDP نشان می دهد. این ضریب نشان دهنده تأثیر تولید ناخالص داخلی سرانه بر رشد بخش مورد نظر است. اگر مثبت باشد نشان دهنده رابطه مثبت بین ارزش افزوده بخش i به کل GDP و GDP سرانه در کشور j می باشد.

$b2$: ضریبی که بصورت مستقیم اثر ارزش افزوده همه کشورها به GDP آن بخش را روی ارزش افزوده بخش i کشور j نشان می دهد. اگر مثبت باشد نشان دهنده اثر مستقیم متغیرهایی به جز تجارت بر ارزش افزوده بخش مورد مطالعه است.

$b3$: ضریبی که به صورت مستقیم اثر سهم تجارت در کشور j را روی ارزش افزوده بخش i در کشور j نشان می دهد.

دوره زمانی مورد بررسی در این تحقیق سالهای ۲۰۰۹-۱۹۹۷ می باشد. با توجه به یکسان بودن سالهای مورد بررسی در همه کشورها از روش های تخمین داده های ترکیبی متوازن استفاده شده است. جهت برآورد الگو از نرم افزار های Eviews6 و Excel استفاده شده است.

تخمین مدل

به منظور برآورد الگو ابتدا آزمون های هاسمن و F مقید را برای هر دو بخش صنعت و کشاورزی انجام می دهیم، سپس با استفاده از نتایج به دست آمده مدل های مورد نظر را تخمین زده و در نهایت به تجزیه و تحلیل نتایج حاصل می پردازیم.

جدول ۴-۱ نتایج آزمون F

نوع آزمون	نوع بخش	آماره	Prob.
آزمون F مقید	صنعت	۱۰۶/۷۷	۰/۰۰۰
آزمون F مقید	کشاورزی	۲۴/۶۲	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

نتایج آزمون F نشان می دهد که برای هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه الگوی با اثرات ثابت از الگوی مقید کارا تر است. حال برای انتخاب الگوی مناسب برای در نظر گرفتن اثرات ثابت یا تصادفی آزمون هاسمن را انجام می دهیم که نتایج آن در زیر منعکس شده است.

جدول ۴-۲ نتایج آزمون هاسمن

نوع آزمون	نوع بخش	آماره	Prob.
آزمون هاسمن	صنعت	۴۲/۷۴	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن	کشاورزی	۱۶/۵۰	۰/۰۰۰۹

مأخذ: یافته های محقق

همانگونه که مشاهده می شود نتایج آزمون هاسمن نشان می دهد که از بین اثرات ثابت و تصادفی از اثرات ثابت برای برآورد مدل استفاده می شود و با احتمال ۹۵ درصد فرضیه صفر (مبنی بر وجود اثرات تصادفی) را نمی توان پذیرفت و الگوی مورد نظر برای هر دو بخش مورد مطالعه دارای اثرات ثابت می باشد. پذیرفته شدن اثرات ثابت به این معنی است که تفاوت پارامترهای کشورهای مختلف در هر دو بخش در عرض از مبدأ آنها نشان داده می شود و نه در جمله اخلاص.

جدول ۴-۳ نتایج تخمین مدل بخش صنعت

متغیر	ضرائب	آماره t	Prob.
سهم تجارت	۱/۳۹	۸/۴۰	۰/۰۰۰۰
GDP سرانه	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۸۶
سهم ارزش افزوده در کل دنیا	۱/۰۱	۳/۰۸	۰/۰۰۲۳
C	-۸/۲۹	-۴/۸۰	۰/۰۰۰۰

R-squared: ۰/۹۳	F-statistic: ۱۴۱
Ajusted R- squared: ۰/۹۲	prob: ۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های محقق

جدول ۴-۴ نتایج تخمین مدل بخش کشاورزی

متغیر	ضرائب	آماره t	Prob.
سهم تجارت	۰/۷۸	۲/۰۵	۰/۰۴
GDP سرانه	۰/۱۸	۰/۶۳	۰/۵۲
سهم ارزش افزوده در کل دنیا	۱/۷۷	۵/۰۶	۰/۰۰۰
C	-۱۰/۵۶	-۳/۲۳	۰/۰۰۱۴

R-squared: ۰/۷۷	F-statistic: ۳۶
Ajusted R-squared: ۰/۷۵	prob: ۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های محقق

نتایج تخمین مدل

همانطور که مشاهده می‌شود افزایش آزاد سازی تجاری باعث رشد همزمان بخش‌های صنعت و کشاورزی شده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که برای گروه کشورهای منا سیاست‌های آزادسازی تجاری باعث افزایش توأم سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت شده است. از طرف دیگر با توجه به ضرایب متغیر سهم تجارت در هر یک از دو بخش می‌توان به سادگی دریافت که رشد ارزش افزوده بخش صنعت بیشتر از رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی خواهد بود، چرا که ضریب متغیر سهم تجارت در مدل صنعت عدد ۱/۳۹ و در مدل کشاورزی عدد ۰/۷۸ را نشان می‌دهد که بیانگر این است که افزایش ۱ درصد در متغیر سهم تجارت باعث افزایش ۱/۳۹ درصدی در ارزش افزوده بخش صنعت و ۰/۷۸ درصدی در ارزش افزوده بخش کشاورزی برای کشورهای منا می‌شود. از طرف دیگر می‌توان دریافت که GDP سرانه در کشورهای منا تاثیر معنای داری را بر ارزش افزوده در هر دو بخش صنعت و کشاورزی نشان نمی‌دهد. همچنین با توجه به ضریب به دست آمده برای متغیر WSI (مجموع ارزش افزوده همه کشورها نسبت به مجموع GDP آنها در هر دو بخش)، در می‌یابیم با یک درصد افزایش در سهم ارزش افزوده صنعت و کشاورزی در کشورهای جهان، به ترتیب سهم ارزش افزوده صنعت و کشاورزی نسبت به GDP در هر یک از کشورهای منا ۱/۰۱ و ۱/۷۷ درصد افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به نتایج بدست آمده در فصل گذشته، ضریب این شاخص در معادله صنعت، ۱/۳۹ و ضریب در معادله کشاورزی، ۰/۱۸ می‌باشد. بنابراین انتظار می‌رود با یک درصد افزایش در سهم تجارت، ارزش افزوده بخش صنعت ۱/۳۹ درصد و ارزش افزوده بخش کشاورزی ۰/۱۸ درصد در کشورهای منا افزایش یابد. با توجه به ضرایب متغیر سهم تجارت در هر یک از دو بخش می‌توان دریافت که در اثر آزاد سازی تجاری رشد بخش صنعت سریع‌تر از بخش کشاورزی است. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده در می‌یابیم که اثر تولید ناخالص داخلی سرانه بر ارزش افزوده بخش‌های صنعت و کشاورزی در کشورهای منا بی‌معناست. بنابراین با تغییرات GDP سرانه انتظار نمی‌رود که سهم ارزش افزوده بخش‌های صنعت و

کشاورزی در این کشورها افزایش یا کاهش یابد. لازم به ذکر است متغیر (WSI) در تخمین، برای کنترل اثرات دیگر متغیرها بر بخش مورد نظر به جز سهم تجارت استفاده گردیده است که مجموع ارزش افزوده بخش صنعت یا کشاورزی نسبت به مجموع GDP های همه کشورهای دنیا می باشد. ضرایب این متغیر نشان می دهند با یک درصد افزایش در سهم ارزش افزوده هر یک از دو بخش نسبت به GDP در کل دنیا، این سهم در کشورهای منا در بخشهای صنعت و کشاورزی به ترتیب ۱/۰۱ و ۱/۷۷ افزایش می یابند. این روند مثبت و همسو بودن ارزش افزوده در کشورهای منا با دیگر کشورهای جهان نشانگر وجود پتانسیل های بالقوه بخشهای صنعت و کشاورزی در این کشورها است که با آزادسازی تجاری و رفع موانع صادرات و واردات میتوانند با دیگر کشورها رقابت داشته و در پی آن رشد کنند.

با توجه به نتایج بدست آمده در فصل گذشته، مبنی بر اثر مثبت سهم تجارت (آزادسازی تجاری) بر سهم ارزش افزوده صنعت و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی پیشنهاد می شود با کاهش محدودیت تجاری نظیر تعرفه ها از یک طرف و توسعه صادرات از طرف دیگر در جهت افزایش رشد اقتصادی گامهای اساسی برداشته شود. بنابراین با آزاد سازی تجاری از ظرفیت ها و توانائی های موجود، استفاده بهینه به عمل آمده و منابع و عوامل تولید نیز با حداکثر کارایی در تولید به کار گرفته می شود. کشورهای منا با باز کردن درهای تجارت و افزایش صادرات و واردات از طریق از بین بردن موانع تعرفه ای و محدودیت های تجاری می توانند رشد بیشتری در بخش های صنعت و کشاورزی داشته باشند. گسترش ارتباط بخشهای صنعت و کشاورزی در کشورهای منا با بازارهای جهانی می تواند موجبات رشد سریعتر این بخش ها را فراهم آورد و تحقق چنین اهدافی با رفع موانع صادراتی و گسترش تجارت جهانی میسر می گردد. همچنین پیشنهاد می شود سیاست های تشویقی مناسب در جهت صادرات بیشتر و رفع موانع تجارت، مانند کاهش تعرفه برای بخشهای صنعت و کشاورزی در این کشورها اتخاذ گردد.

از آنجا که آزاد سازی تجارت یکی از ابزارهای جهانی شدن است و فرآیندی است که در جهان، در حال گسترش است و تمام کشورهای جهان مجبور به پیوستن به این جریان هستند، بنابراین لازم و ضروریست که دولت ها زمینه و شرایط لازم را برای رویارویی با این تحول فراهم آورند. در کشورهای منا که عمدتاً کشورهای در حال توسعه هستند لازم است دولت ها در کنار

رفع موانع صادراتی و محدودیت‌های تجاری، زمینه‌های لازم برای بیشتر شدن کارایی بخش‌های صنعت و کشاورزی را بوجود آوردند تا این بخش‌ها در پی رقابت با کالاهای جهانی، متحمل ضربه جدی و جبران ناپذیر نشوند. کاهش تعرفه‌ها و موانع تجاری به صورت یکباره ممکن است این بخشها را با مشکل رو به رو کند، در صورتی که کاهش تدریجی و بلند مدت آنها باعث می‌گردد این بخش‌ها به تدریج خود را با شرایط جدید سازگار کرده و به سطح جهانی برسند.

منابع

- ۱- ابریشمی، حمید و محسن مهر آرا. (۱۳۸۵)، "تاثیر آزاد سازی تجاری بر رشد صادرات و واردات"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰، صص ۹۳-۱۰۷.
- ۲- ابریشمی، حمید، محسن مهر آرا، محمدرضا ایران نژاد. (۱۳۸۹)، "بررسی اثر سیاستهای آزاد تجاری بر رشد اقتصادی"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۹۰، صص ۲۳۶-۲۱۹.
- ۳- بختیاری، صادق و بهنام سالم. (۱۳۸۶)، "اثرات آزاد سازی تجاری بر تجارت محصولات زیر بخشهای صنعتی ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، صص ۳۱-۱۵.
- ۴- رمضانپور، اسماعیل. (۱۳۸۴)، "جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن روی اشغال"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، صص ۱۷۹-۱۵۴.
- ۵- آمنه ذوقی پور و منصور زیبایی. (۱۳۸۸)، "بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر متغیرهای کلیدی بخش کشاورزی"، اقتصاد کشاورزی، جلد ۳، شماره سوم، صص ۷۱-۷۰.
- ۶- کرباسی، علیرضا و مهدی پیروی. (۱۳۸۶)، "بررسی تأثیر آزاد سازی تجاری بر کشاورزی ایران"، اقتصاد و کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲، صص ۳۴-۱۹.
- ۷- گرجی، ابراهیم و معصومه علیپوریان. (۱۳۸۵)، "تحلیل اثر آزاد سازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰، صص ۲۰۲-۱۸۵.
- ۸- متوسلی، محمود. (۱۳۸۰)، "سیاستهای تجاری و توسعه اقتصادی"، تهران، نشر نی

- ۹- محسنی، رضا. (۱۳۸۴)، "تبعات آزاد سازی تجاری بر رشد صنعتی در ایران"، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، صص ۱۷-۱.
- ۱۰- مهر آرا، محسن و رضا محسنی. (۱۳۸۳)، "آثار تجارت خارجی بر بهره‌وری"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، صص ۸۹-۵۸.
- ۱۱- نصیری، پ. (۱۳۸۲)، "اثرات بلند بلند مدت و کوتاه مدت متغیرهای کلان بر بخش کشاورزی (۱۳۷۸-۱۳۵۰)"، مجموعه مقالات همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد دوم، انتشارات موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۱۲- نونزاد، مسعود. (۱۳۸۳)، "تجارت بین الملل"، شیراز، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، جلد چهارم.

13- Wong, A. S. (2009), "Productivity and Trade Openness in Ecuador's Manufacturing Industries", *Journal of business Research*, Vol. 62, PP. 868-875.

14- Abuka, C. (2005), "Trade Liberalization and Total Factor Productivity in Manufacturing Industries", *The Review of Economic study*, No. 69, Vol. 1, PP. 245-276.

15- Ballassa, B. (1978), "Export and Economic Growth Further Evidence", *Journal of Development Economics*, Vol. 5, pp. 180-196.

16- Dodzin, S., and Athanasios, V. (2004), "Trade and Industrialization in Developing Economies", *Journal of Development Economics*, Vol. 75, pp. 315-331.

17- Green Away, D., and Morgan, W. (2002), "Trade Liberalization and Growth in Developing Countries", *Journal of Development Economics*, Vol. 64, pp. 225-245.

18- Konings, J., and Xavier, A. (2002), "Firm Growth and Survival in a Transition Country", *Licos Discussion Paper*, pp. 68-86.

- 19- Sprinkle, L. R., and Charles, S. (1999), "openness and industrialization in Developing Countries", Journal of applied Economic Letters, (6), PP. 155-169.
- 20- Oladipo, O. (2011), "Does Trade Liberalization Cause Long Run Economic Growth in Mexico", International Journal of Economic and Finance و (3), pp. 47-63.
- 21- Pingali, P., and Sringer, R. (2004), "Agriculture's Contributions to Economic and Social Development", Electronic Journal of Agricultural and Development Economics, Vol. 1, pp. 1-19.
- 22- Rodrick, D. (1995), "Trade Strategy, Investment and Exports, Another Look at East Asia", CEPR, Vol. 1305, pp. 18-31.

ضمیمه:

جدول (۱)

نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته

	مقادیر اصلی		تفاضل مرتبه اول	
	ADF	احتمال تأیید فرضیه صفر	ADF	احتمال تأیید فرضیه صفر
GPSI	-۲/۸۵	۰/۱۸	-۳/۲۳	۰/۰۲
CGDP	-۳/۰۱	۰/۱۳	-۵/۹۵	۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۲)

نتایج آزمون تشخیصی

	LM	احتمال تأیید	F	احتمال تأیید
SC: عدم خودهمبستگی	۱/۵۶	۰/۸۱۵	۰/۳۰۵	۰/۸۷۳
FF: تصریح فرم تابعی	۲/۸۳	۰/۰۹۲	۲/۳۹۹	۰/۱۲۸
N: نرمال بودن جملات خطا	۲/۱۵	۰/۳۴۱	قابل محاسبه نیست	-----
H: عدم واریانس ناهمسانی	۰/۰۱	۰/۹۱۹	۰/۰۰۹	۰/۹۲۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

F_{SC}, LM_{SC} : آزمون فرضیه عدم وجود خودهمبستگی جمله پسماند الگو را نشان می‌دهد.

F_{FF}, LM_{FF} : آزمون فرضیه تصریح فرم تابعی مدل را انجام می‌دهد.

F_H, LM_H : آزمون فرضیه عدم وجود ناهمسانی واریانس را برای هر معادله انجام می‌دهد.

جدول (۳)

نتایج تخمین مدل تصحیح خطای الگوی درصد تغییرات شاخص قیمت سهام

نام متغیر توضیحی	ضریب	احتمال تأیید
Intercept	۰/۰۲	۰/۱۷
Dgpsi1	-۰/۲۹	۰/۰۴
Dcgdp1	۰/۰۳۳	۰/۰۲۸
Dpbc1	۰/۰۱۷	۰/۰۸۴
Dgpsi2	-۰/۰۰۲	۰/۰۸۵
Dcgdp2	۰/۰۷۶	۰/۰۷۴
Dpbc2	۰/۰۰۲	۰/۰۶۸
Dgpsi3	۰/۰۲۴-	۰/۰۰۷
Dcgdp3	-۰/۰۲۸	۰/۰۸۸
Dpbc3	۰/۰۰۳	۰/۰۴۵
Ecm1(-1)	-۰/۰۱۳	۰/۰۰۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق